

آسیب‌شناسی مناظره بر اساس الگوی مناظرات امام‌رضا(علیه‌السلام)

دریافت: ۱۳۹۵/۶/۲ پذیرش: ۱۳۹۵/۸/۲۹

امید ابراهیمی^۱، دل آرام محمدی^۲

چکیده

مناظره گفتگویی برای ایجاد فهم مشترک و درک متقابل توأم و یکی از شیوه‌های مطلوب و مؤثر برای تبیین و نشر معارف الهی است که انبیا و ائمه معصومین (علیهم‌السلام) در مواجهه با آرا و اندیشه‌های مخالفان ادیان الهی از آن بهره می‌جستند. به‌دلیل شرایط فرهنگی-سیاسی و تضارب آراء که در دوران ولایتعهدی امام‌رضا(علیه‌السلام) روی داد، ایشان برای جلوگیری از تحریف اسلام، مناظره‌هایی با دانشمندان و بزرگان فرقه‌های مختلف داشتند. حضرت در این مناظره‌ها با رعایت اصول و دوری‌جستن از آفت‌ها و آسیب‌هایی که مانع اثرگذاری و ثمربخش‌بودن مناظره می‌شود، گفتگو را تا روشن‌شدن حقایق و حصول نتیجه ادامه داده‌اند. هدف پژوهش حاضر آسیب‌شناسی مناظره بر اساس الگوی مناظرات امام‌رضا(علیه‌السلام) است. پژوهش با استفاده از روش توصیفی- تحلیلی و بررسی منابع کتابخانه‌ای و اطلاعاتی، آسیب‌های مناظره را با استناد و تحلیل فرایند و محتوای مناظرات امام‌رضا(علیه‌السلام) شناسایی کرده است. آسیب‌های مناظره به دو صورت کلی است: آسیب‌های علمی (شامل مغالطه در بحث، تکیه بر اصول غیرمشترک، نداشتن نظم و ساختار در بحث و ...) و آسیب‌های اخلاقی (شامل عدول از انصاف، تعصب و تقلید، ارزیابی شخصیت طرف و ...). نتایج پژوهش نشان داد امام‌رضا(علیه‌السلام) با رعایت اصول مناظره و دوری‌جستن از آسیب‌های آن، روند مناظره را طی کرده و سعی در هدایت و روشننگری مخاطب داشته‌اند و همیشه نیز در میدان مناظرات پیروز می‌شدند.

کلیدواژه‌ها: امام‌رضا(علیه‌السلام)، آسیب‌شناسی، مناظره، ائمه معصومین (علیهم‌السلام)، ولایتعهدی امام‌رضا(علیه‌السلام).

۱. دانشجوی دکتری روانشناسی تربیتی، دانشگاه تبریز و عضو باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان دانشگاه آزاد اسلامی تبریز (نویسنده مسئول):
omidebrahimi660@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری روانشناسی تربیتی، دانشگاه تبریز: delarammohamadi23@gmail.com

مقدمه

در طول تاریخ همیشه دو جبهه حق و باطل با هم در تقابل بوده‌اند. این تقابل در دو میدان جنگ و گفتگو قابل تصور است. به نظر می‌رسد روش نخست، تأثیر روش دوم را ندارد زیرا ممکن است انسان در میدان جنگ طرف مقابل را شکست دهد. در این صورت، امکان پذیرش حق سلب می‌شود. ولی در بُعد دوم که میدان بحث و گفتگوست، هر دو طرف با بیان ادله خود سعی می‌کنند طرف مقابل را قانع کنند. با این روش، اگر انصاف پیشه کنند به حق و حقیقت دست پیدا خواهند کرد (ضیغم‌زیدی، ۱۳۹۰: ۱۶۰). بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد تکامل علوم به‌ویژه معارف عقلی بشر در پرتو مباحثات علمی، تضارب آراء و تعاطی افکار تحقق یافته است و ثمره آن، رشد و شکوفایی فرهنگی جوامع مختلف است. دین مبین اسلام نیز به آزاداندیشی و ارزیابی آراء و نظریه‌ها اهمیت داده و در آثار اسلامی به مناظره و جدال احسن تأکید شده است (نحل/۲۵). مناظره یکی از بنیادهای استوار دین اسلام به‌شمار می‌رود. قرآن کریم ضمن بیان سرگذشت انبیا، ابعاد و شیوه‌های آن را بیان داشته است. این شیوه تبلیغی، اثری عظیم در شناساندن حقانیت شریعت محمدی (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و تفهیم لزوم پیروی از آن را در پرسشگران بی‌غرض داشته و وسیله‌ای کارآمد در ابطال و دفع شبهاتی است که صاحبان مذاهب و اندیشه‌های انحرافی ایجاد می‌کنند (حسینی میرصفی، ۱۳۹۰: ۲۷).

رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و ائمه معصومین (علیهم‌السلام) به زیبایی از مناظره به‌عنوان راهکاری تبلیغی آموزشی بهره برده‌اند تا آنجا که حضرت علی (علیه‌السلام) فرمودند: «آراء و نظرات خود را بر یکدیگر عرضه دارید تا رأی صحیح از آن پدید آید.» (آمدی، ۱۳۶۶، ج ۱: ۲۸۷).

تأثیر مناظره و بحث در تأیید جبهه حق و تضعیف باطل تاحدی است که هارون الرشید پس از شنیدن مناظره هشام گفت: «فو الله للسان هذا أبلغ في قلوب الناس من مائة ألف سيف» (به خدا سوگند! زبان این شخص کارسازتر از صد هزار شمشیر در قلوب مردم است.) (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۴۸: ۲۰۲).

روشن است که شروع هر کاری نیازمند رعایت پیش شرط‌های آن و داشتن علم و مهارت در آن زمینه است. بر این اساس، گام نهادن در وادی مناظره نیز نیازمند تحمل زیاد، سعه صدر فراوان، دیدگاه وسیع و منطق قوی در برابر نظرهای دیگران و دوری

از آسیب‌های مؤثر در گفت‌وگوست، زیرا هیچ‌کس نمی‌تواند جز با منطق و برهان، دیدگاه خود را بر دیگری تحمیل کند. در این میان، نباید از دوسویه‌بودن این ابزار غافل شد؛ یعنی مناظره در عین تأثیر عمیقی که در پرتو رعایت اصول لازمه می‌تواند داشته باشد، عمل نکردن به اصول ضروری آن و افتادن در دام آسیب‌های گفتگو، نتیجه عکس به‌دنبال خواهد داشت (رضازاده‌کهنگی و فارسی‌نژاد، ۱۳۹۴: ۳۸) و به‌جای کشف حقیقت، به حجابی سر راه شناخت حق تبدیل می‌گردد. اگر حس علاقه به غلبه بر دیگران در مناظره و نیز جاه‌طلبی و مباحثات بر روحیه کسی مستولی گردد، این گونه تمایلات وی را به اظهار و ارتکاب علنی تمام پلیدی‌ها سوق می‌دهد که به‌عنوان آفات و نتایج سوء مناظره‌های نادرست تلقی می‌گردد (حسینی میرصفی، ۱۳۹۰: ۱۵۲). از نظر غزالی، مناظره آفات متعددی دارد که کمتر کسی می‌تواند خود را از آن برهاند. از نظر وی آفت‌های دهگانه مناظره عبارتند از: حسد، تکبر، حقد، غیبت، دروغ‌گویی، خودستایی، تجسس عیوب، شادی به غم و غمگینی به شادی حریف، نفاق و گردنکشی در برابر حق. این ده خصلت ریشه‌رذایل اخلاقی به‌شمار می‌روند (غزالی، ۱۴۰۶ق، ج ۱: ۵۵). مناظره‌کنندگان در مواجهه با این آفات، از لحاظ پایه و موقعیت اوضاع مختلفی دارند. برخی از اخلاق بالای علمی منحرف شده و جدل نزد آنان منجر به پراکندگویی، مغالطه و قیاس‌های باطل و نادرست گردیده است. آنان با نادیده‌گرفتن حقیقت علمی و بدون آنکه کمتر توجهی به آن داشته باشند، تنها هدف را اشکال و غلبه بر دشمن و مخالفان خود قرار دادند. برخی کوشش خود را در مسائلی بی‌ارزش هدر داده و متوجه امور و مسائلی شدند که هرگز تحقق نمی‌یافت (مهدویان و رحیم‌زاده، ۱۳۸۹: ۱۵۷). گاهی تأثیرهای روانی این نوع مناظرات چنان تلخ و سنگین بود که شخص مغلوب را به کام مرگ می‌کشاند^۱ و موجب افزایش تنش، ابهام در افکار، تخریب و جوسازی و شبهه‌پراکنی در جامعه می‌گردید (محدثی، ۱۳۸۸: ۱۱۶). بر این اساس، ضرورت دارد این آفت‌ها شناسایی و در فرایند مناظره از آنها دوری شود.

پژوهشگران بسیاری مناظرات امام‌رضا (علیه‌السلام) را بررسی کرده‌اند. هاشمی اردکانی و میرشاه جعفری (۱۳۸۷) در پژوهش خود، یکنواخت نبودن مطالب و ارائه مطالب و مفاهیم توجه‌برانگیز، تأکید بر پاسخگویی به مهم‌ترین مسائل و پرسش‌های مخاطب، منحرف‌نشدن از موضوع اصلی بحث و پرهیز از حاشیه‌پردازی، صریح‌بودن

۱. یکی از این افراد محمدبن عباس خوارزمی طبری است که پس از شکست در مناظره‌ای که با بدیع‌الزمان همدانی داشت، بیش از یک سال دوام نیاورد و به گفته برخی مورخان، بر اثر همین مناظره از دنیا رفت (مناظره‌الخوارزمی و الهمذانی، منذر الجبوری، ۱۳۹۳ق: ۲۴).

مطالب و دوری از ابهام‌گویی، خلق و ایده‌پردازی مفاهیم برای نزدیک‌کردن به ذهن، پرسش به قصد تأکید و ارائه مطالب توجیهی را از ویژگی‌های مناظرات امام‌رضا(علیه‌السلام) شمرده‌اند. ضیغم‌زیدی (۱۳۹۰) در پژوهش خود نشان داده است که امام‌رضا(علیه‌السلام) در مناظرات خود همه اصول و ضوابط مناظره از جمله ارائه دلایل محکم و متناسب، رعایت ایجاز و به‌کارگیری تشبیهات و تمثیلات را رعایت کرده‌اند. از نظر روان‌شناسی نیز به روش‌هایی چون رعایت سطح فکری مخاطب، ممایشات با نرمی، رعایت مقتضیات حال، نرمی در رفتار و پافشاری در اثبات مواضع از سوی امام(علیه‌السلام) می‌توان اشاره کرد. رضازاده‌کهنگی و فارسی‌نژاد (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «بررسی اصول علمی و اخلاقی مناظره‌های رضوی» سه اصل علمی استفاده از جدال احسن، بهره‌گیری از استدلال عقلی و پرهیز از مغالطه و سه اصل اخلاقی رعایت ادب، پرهیز از نقد شخصیت افراد و پرهیز از ستیزه‌جویی و تعصب را به‌عنوان مهم‌ترین اصولی که امام هشتم(علیه‌السلام) ملتزم به رعایت آن بودند، بیان داشته‌اند. رجبی و مطهری (۱۳۹۴) فرایند مناظرات امام‌رضا(علیه‌السلام) را در سه مرحله ارائه کرده‌اند: مشخص کردن طرف مقابل، هدایت به بحث و احقاق حق و حق‌مداری. با توجه به مبانی پژوهشی ارائه‌شده می‌توان گفت، درباره اصول و روش‌های صحیح مناظره از منظر امام‌رضا(علیه‌السلام) پژوهش‌های متعددی صورت گرفته است، اما درباره موانع و آسیب‌هایی که می‌تواند اثربخشی مناظره را از بین ببرد و حتی به جدل و درگیری تبدیل کند، پژوهش کاملی صورت نگرفته است.

از طرفی، با عنایت به اینکه دوران حیات امام‌رضا(علیه‌السلام) دوران نشاط علمی، تضارب آراء و دیدگاه‌ها میان فرق گوناگون درون اسلام و نیز افزایش ارتباط‌های فرهنگی با دیگر جوامع است (مجیدی، ۱۳۹۲: ۱۰) و حکومت عباسی به‌دلیل موضعگیری‌هایی که در برابر ائمه(علیهم‌السلام) داشته با انگیزه‌های خاصی اقدام به تشکیل جلسات مناظره می‌نمود، این شرایط وظیفه سنگینی را بر دوش امام‌رضا(علیه‌السلام) گذاشت. لذا دامن همت به کمر زد و انقلاب فکری عمیقی ایجاد فرمود و در برابر این امواج سهمگین و تندبادهای خطرناک، اصالت جامعه اسلامی را حفظ کرد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۸: ۲۸). با در نظر گرفتن این شرایط و تدبیر در آنها، می‌توان گفت امام‌رضا(علیه‌السلام) به‌سبب تمسک به نیروی عظیم علمی، در تمام این مجالس مناظره بر حریفان و دشمنانش پیروز شد، بدون اینکه وارد مغالطات جدلی شود. برخی از مناظره‌کنندگان برای اینکه بنای حجت خصم را ویران کنند

و قوّت و استدلال او را از میان ببرند، بدان پناه می‌برند، ولی آن حضرت با بیانی معجزه‌آسا و روشی روشن و رهگشا و با جدالی احسن، به دلایل مطمئن خود در اثبات حق تکیه می‌فرمود(امینی‌فر، ۱۳۹۱: ۴۲) که می‌تواند الگو و راهبردی برای مناظره و گفتگوهای فعلی ما در عصر حاضر باشد زیرا آفت‌های علمی و اخلاقی گفتگو، امروزه چهرهٔ مباحث علمی و دینی را مخدوش ساخته و شاید عمده‌ترین مانع در دستیابی به اهداف و حقایق مورد بحث باشد. با این اوصاف، پژوهشگر کوشیده است بر اساس الگوی مناظره‌های امام‌رضا(علیه‌السلام) آسیب‌هایی را که مانع انجام درست و اصولی مناظره می‌گردد، شناسایی و آنها را در ساختاری مدوّن ارائه دهد تا با پرهیز از ارتکاب به آنها، که مانع به‌ثمرنشستن و نتیجه‌دادن مناظره‌ها می‌شود، اثربخشی مناظره‌ها بیشتر و مطلوب‌تر گردد. پس هدف پژوهش حاضر آسیب‌شناسی مناظره بر اساس الگوی مناظره‌های امام‌رضا(علیه‌السلام) بود.

روش پژوهش

پژوهش پیش رو از نظر شیوهٔ گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای و اسنادی است که به روش توصیفی-تحلیلی نوشته شده است و می‌کوشد تا با تمرکز بر فرایندها و محتوای مناظرات هشتمین پیشوای شیعیان، امام علی بن موسی الرضا(علیهماالسلام) و تحلیل آنها، آسیب‌ها و آفات مناظره را شناسایی و نمونه‌ای مستند از مناظرات امام‌رضا(علیه‌السلام) را در این باره ارائه کند.

مفهوم مناظره

«مناظره» در لغت به معنای با هم نظر کردن، فکر کردن در حقیقت و ماهیت چیزی است. در واقع، به مجادله و نزاع با همدیگر و بحث با یکدیگر در حقیقت و ماهیت چیزی مناظره گفته می‌شود(دهخدا، ذیل مناظره). واژه مناظره عربی و از ریشهٔ «نَظَرَ» است که با گرداندن چشم به این و آن طرف، آنچه را در مقابلش قرار دارد، رؤیت می‌کند، تمثال برداری می‌نماید و به تصور می‌کشد. از نظر راغب «مردم نظر را دیدن معنا می‌کنند و نخبگان به معنای بصیرت، بینش، تشخیص، ادراک و تدبیر کردن،

گرفته‌اند. مهلت، در اموری متحیر بودن، چشم به‌راه بودن، معانی دیگری هستند که از «نظر» و اشتقاق‌های آن فهمیده می‌شود. «راغب اصفهانی، ۱۳۸۳، ذیل ماده نظر). «نظر» وقتی به باب مفاعله می‌رود، معنای خاصی می‌گیرد؛ یعنی چیزی یا کسی مانند دیگری شدن: «ناظر مناظره: صار نظيراً له». به‌نظر می‌رسد نکته‌ای را که در توضیح مناظره فراموش کرده‌اند «مشارکت» دو نفر یا دو گروه درباره چیزی است که می‌خواهند برایشان روشن شود. این معنای عمومی باب مفاعله است. به اشتراک موضوعی را به گفت‌ووشنود می‌گذارند تا حقیقت آن آشکار شود. به‌عبارت دیگر، با هم و همراه هم، نکات پنهان و ناروشن موضوعی را کشف می‌کنند و آن که مطلب برایش مشخص می‌شود، می‌پذیرد. لذا مناظره علاوه بر معنای مشارکت در گفتگو و بحث کردن با هم، معنای ویژه‌اش که در نفس مناظره نهفته است، این است که در نهایت دو طرف بحث از لحاظ فکری و عقیدتی در موضوع مورد بحث باید به یک نتیجه مشترک دست یابند (جمالی، ۱۳۸۶: ۸).

از نظر اصطلاحی، مناظره نوعی گفتگو و مکالمه است که در آن دو طرف گفتگو می‌کوشند با بهره‌گیری از اصول پذیرفته‌شده طرف مقابل، دیدگاه و نظر خود را اثبات و عقیده باطل طرف را آشکار کنند به‌وجهی که وی نتواند آن را انکار کند (مجیدی، ۱۳۹۲: ۱۰). در تعریفی دیگر، مناظره جریان جستجو برای به‌دست‌آوردن پاسخ یا راه‌حلی از راه گفتگو، تبادل اطلاعات و عرضه ایده‌ها و نظریه‌هاست. این روش هم به یاددهنده و هم به یادگیرنده فرصت می‌دهد در فرایند مباحثه شرکت و درباره موضوعات مختلف تبادل اطلاعات کنند. مهم‌ترین ویژگی این روش آن است که فرصتی را برای یادگرفتن به‌وسیله بیان، کشف ایده‌های متعدد و تجربه‌های ناشی از همکاری دوجانبه ارائه می‌کند (سجادی، ۱۳۸۰: ۹).

تعریف آسیب‌شناسی مناظره

مفهوم «آسیب‌شناسی» نخست در مباحث پزشکی برای شناسایی امراض و بیماری‌های مربوط به اعضای بدن و بافت‌هایش و درمان آن امراض به‌کار می‌رفت. به‌تدریج این مفهوم به سایر زمینه‌ها رسوخ پیدا کرد و در مسائل اجتماعی و روان‌شناختی کاربرد فراوان یافت. در تعریف آسیب‌شناسی مناظره می‌توان گفت، بررسی و شناسایی آفات و آسیب‌ها و علل پیدایش آنها که سبب‌کنند شدن و یا مانع توقف فرایند درست

و بهنجار مناظره می‌شود. آفات مناظره، هر عمل یا باور غیراخلاقی و [غیرعلمی] است که مناظره را از مسیر حق خارج می‌سازد و در درازمدت آنه را از هدف حقیقی خویش دور می‌کند. نقد و مناظره را ردیبه انگاشتن و تنها به گفتار خویش توجه کردن و ناقد را قاصر در فهم مطالب پنداشتن، مانع اثربخشی و کارآیی مناظره است (فرامرز قراملکی، ۱۳۷۹: ۳۲۳). برای بررسی این موضوع ابتدا به عوامل آسیب‌زای مناظره بر اساس الگوی مناظرات امام‌رضا(علیه‌السلام) پرداخته و سپس بر مبنای شاخص‌های مناظرات آن امام بزرگوار و آوردن مستندات از ایشان، این آفات شرح داده شده است.

آسیب‌های مناظره

در جدول زیر ابتدا به‌طور کلی آسیب‌هایی که روند درست مناظرات را مخدوش ساخته و مانع نتیجه‌بخش بودن آن می‌شود، به دو صورت کلی آسیب‌های علمی و آسیب‌های اخلاقی به‌همراه زیرمجموعه‌هایشان آمده است. در ادامه، مصداق و اسنادی از الگوی مناظرات امام‌رضا(علیه‌السلام) که در فرایند مناظره از این آسیب‌ها دوری جسته و طرف مقابل را بدان توصیه می‌فرمود، ارائه و تجزیه و تحلیل شده است.

۱. آسیب‌های علمی	۲. آسیب‌های اخلاقی
۱. مغالطه در بحث	۱. عدول از انصاف و عدل
۲. تکیه کردن بر اصول غیرمشترک	۲. تعصب و تقلید
۳. نداشتن نظم و ساختار منطقی	۳. تجسس در عیوب همدیگر
۴. استفاده از مطالب پیچیده و نارسا	۴. رعایت نکردن احترام متقابل
۵. ممانعت از پرسش آزاد	۵. ارزشیابی شخصیت طرف مناظره
۶. رعایت نکردن سطح فکری مخاطب	۶. غرور و خودستایی
۷. نداشتن ارتباط دوسویه	۷. محکوم کردن و کوبیدن همدیگر
۸. تحمل نکردن عقاید مخالف	۸. بی‌توجهی به شرایط و حال همدیگر

۱- آسیب‌های علمی مناظره

آفت‌هایی است که ویژگی‌های اساسی علم مانند عقل‌گرایی، برهان، ابطال‌پذیری و پذیرش اشتباه، عدم پیچیدگی و... را زیر سؤال می‌برد و آن را خدشه‌دار می‌سازد. آسیب‌های علمی مناظره بر اساس مناظرات امام‌رضا(علیه‌السلام) به شرح زیر است:

۱-۱ مغالطه در بحث

مغالطه در معنای لغوی عبارت است از «سوق دادن دیگری به اشتباه» و در اصطلاح، مغالطه جزئی از برهان است که به‌طور قابل اثباتی در منطق آن ایراد وجود دارد. بنابراین کل برهان را نامعتبر می‌سازد. مغالطه ممکن است برای وارونه کردن حقیقت (ها) به کار رود. در تعریف عام‌تر، مغالطه منحصر به استدلال نیست، بلکه به‌طور کلی شکل غیرمعتبری از استدلال دانسته شده است (خندان، ۱۳۹۱: ۱۱۳). مغالطه یکی از آفت‌های علمی مناظره است که افراد آگاهانه در حین مناظره از آن استفاده می‌کنند تا حرف خود را به کرسی بنشانند و حریف را مغلوب سازند.

امام‌رضا(علیه‌السلام) به‌خاطر شرافت علمی و انسانی که داشت هیچ‌وقت در مناظرات خود وارد مغالطه نمی‌شد. حتی برای اینکه از مغالطه طرف مناظره جلوگیری کند با کتاب‌ها و معیارهای مورد پذیرش آنها استدلال می‌فرمود. چنانکه نقل است، وقتی یکی از یاران امام(علیه‌السلام) به نام نوفلی از حضور ایشان در جلسات مناظره ترتیب داده‌شده توسط مأمون با دانشمندان فرقه‌های گوناگون وحشت داشت، به امام(علیه‌السلام) عرض کرد: «علمای اهل کلام اهل بدعت و مخالف دانشمندان اسلام‌اند، چرا که عالم واقعیت‌ها را انکار نمی‌کند، اما اینها اهل انکار و سفسطه‌اند. اگر دلیل بیاوری که خدا یکی است، می‌گویند: این دلیل را قبول نداریم. اگر بگویی محمد(صلی‌الله‌علیه‌وآله) رسول الله است، می‌گویند: رسالتش را اثبات کن. خلاصه در برابر انسان دست به مغالطه می‌زنند و آن قدر سفسطه می‌کنند تا انسان از حرف

خودش دست بردارد. فدایت شوم! از این‌ها برحذر باش!»

امام(علیه‌السلام) تبسمی فرمود و گفت: ای نوفلی! می‌ترسی دلایل مرا باطل کنند و راه را بر من ببندند؟... هنگامی که دلیل هر گروهی را جداگانه با استناد به کتاب خودشان ابطال کردم، به‌طوری که مذهب خود را رها کنند و قول مرا بپذیرند(مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۴۹: ۲۴۹).

بررسی‌های بی‌طرفانه مناظره‌های امام‌رضا(علیه‌السلام) با افراد مختلف، ما را به این نتیجه سوق می‌دهد که ایشان در هیچ‌یک از گفتگوها و مناظره‌هایشان از مغالطه استفاده نکردند، هرچند افراد مقابل در موارد متعددی دچار مغالطه شدند(رضازاده‌کهنگی و فارسی‌نژاد، ۱۳۹۴: ۴۶).

۲-۱ تکیه کردن بر اصول غیرمشترک

چنانچه مناظره‌کنندگان دارای اصول غیرمشترک باشند، باید قبل از مناظره مبانی همدیگر را به‌دست آورند و با آن اصول و مبانی وارد مناظره شوند. در غیر این صورت، مناظره نتیجه‌ای در برنخواهد داشت.

همان‌طور که در مناظره امام‌رضا(علیه‌السلام) با مخالفان، جاثلیق به امام(علیه‌السلام) می‌گوید: چطور با کسی بحث کنم که با کتابی استدلال می‌کند که منکر آن هستم و به پیامبری استدلال می‌کند که به آن ایمان ندارم؟ امام‌رضا(علیه‌السلام) فرمود: ای مسیحی! اگر با انجیل با تو استدلال کنم به آن اقرار می‌کنی؟ جاثلیق گفت: آری، برخلاف میلم بدان اقرار می‌کنم(ابن بابویه، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ۱۵۵). بنابراین امام‌رضا(علیه‌السلام) با هر گروه از مخالفان بر اساس مبانی خودشان مناظره می‌کردند و از تکیه بر مبانی غیرمشترک که مناظره را بی‌نتیجه می‌گذارد، دوری می‌جستند.

۳-۱ نداشتن نظم و ساختار منطقی

نداشتن نظم و ساختار منطقی در گفتار باعث سردرگمی مخاطب می‌شود و نتیجه‌ای در بر ندارد.

امیر مؤمنان علی (علیه‌السلام) بهترین گفتار را منظم‌ترین آن می‌داند و می‌فرماید: «أَحْسَنُ الْكَلَامِ مَا زَانَهُ حُسْنُ النَّظْمِ وَ فَهَمَهُ الْخَاصُّ وَالْعَامُّ»؛ «زیباترین گفتار آن است که نظم نیکویش آن را زینت بخشیده و خاص و عام آن را بفهمند.» (آمدی، ۱۳۶۶، ج ۱: ۲۰۴).

بررسی مناظره‌های امام‌رضا (علیه‌السلام) نشان می‌دهد در مناظرات ایشان نقطه آغاز و پایان بحث مشخص و از انسجام و نظم منطقی اقناع‌کننده‌ای برخوردار است؛ طوری که طرف مناظره را کاملاً از حیث استدلال‌ها تخلیه و قانع می‌کند و جای تردیدی برای وی باقی نمی‌گذارد. البته نمود و جلوه انسجام کلی در مناظره‌های امام آن‌گاه که ایشان بدون بهره‌گیری از ادله نقلی به استدلال‌های عقلی رو می‌آورند، بیشتر نمایان است. برای نمونه، هنگامی که عمران صابی از امام (علیه‌السلام) خواست که از نخستین وجود و مخلوقاتش با وی سخن بگوید، ایشان با رعایت نظم و ساختار بحث، پاسخ را با این مقدمه آغاز کردند: «اما خداوند یگانه، از ازل بی‌همتا بوده، موجودی است که چیزی با او نبوده، حدود و اعراض راهی به او نداشته و الان؛ همچنان که در آینده چنان است. پس مخلوقات را به طور ابدعی، با اعراض مختلف و مورد گوناگون آفرید. این خلقت ابدعی را نه در چیزی برپا داشت و نه در چیزی محدود ساخت؛ نه بر چیزی مقابل نمود و نه بر چیزی مشابه...» (ابن بابویه، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ۱۶۳).

۴-۱ استفاده از مطالب پیچیده و نارسا

استفاده از مطالب پیچیده موجب عدم فهم مخاطب شده و آنها به این‌گونه

مطالب اقبالی نشان نخواهند داد. همان‌طور که تبیین و توضیح مفاهیم دینی با کلامی پیچیده موجب دین‌گریزی افراد می‌گردد (شکوهی، ۱۳۹۳: ۱۰۳). بنابراین حضرت رضا (علیه‌السلام) هیچ‌گاه در جلسات گفتگوی خویش با سران، دانشمندان و افراد مختلف از مذاهب و ادیان دیگر، از واژگان نامأنوس، پیچیده و تعقیدی استفاده نمی‌نمودند، بلکه همواره موضعی کاملاً روشن و کلماتی رسا، واضح و نرم و شیوا و بدون تردید و دودلی ارائه می‌دادند و حتی از دانشمند طرف مقابل نیز می‌خواستند تا این شیوه را رعایت نماید (ابن بابویه، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ۳۱۷). برای نمونه، در گفتگو با یحیی بن ضحاک سمرقندی در موضوع امامت، امام رضا (علیه‌السلام) با در نظر گرفتن حالت وی و استفاده از سخنان و عبارات خلفای راشدین، آکه برای یحیی مأنوس و آشنا بود^۱ به اثبات امامت خویش پرداختند (عطاردی قوچانی، ۱۳۸۸: ۶۲۰-۶۱۹).

۱-۵ ممانعت از پرسش آزاد

پرسشگری و کنجکاوی یکی از ابعاد روحی انسان معرفی شده است به طوری که، قرآن کریم بزرگ‌ترین معجزه جاودانه آخرین پیام‌آور الهی، برای هدایت بشر بهترین و زیباترین روش‌های ممکن را به کار گرفته است. از جمله این روش‌ها، پرسشگری و جستجوگری است زیرا ترقی و تکامل انسان در سایه بُعد پرسشگرانه اوست و اگر آفرینش انسان فاقد این بعد بود، هرگز گامی به سوی تکامل بر نمی‌داشت... خداوند این گرایش را در وجود انسان نهاده و پیوسته او تشنه پاسخ است. اگر پاسخ صحیح شنید، اندیشه‌اش به سوی تکامل می‌رود و اگر با پاسخ‌های خرافی و بی‌اساس مواجه شود، قطعاً ضربه‌ای بر پیشرفت او می‌خورد (سبحانی، ۱۳۸۹؛ نقل از شیرخانی، ۱۳۸۹: ۷). پس روشن می‌شود که ممانعت از پرسشگری در فرایند مناظره باعث می‌شود بسیاری از سؤال‌ها که در ذهن افراد هست، بی‌جواب مانده و امکان روشن شدن حقیقت برای آنها غیرممکن می‌شود. بررسی مناظره‌های امام‌رضا (علیه‌السلام) نشان می‌دهد ایشان مناظره را با آزاد گذاشتن اطرافیان در طرح سؤال شروع می‌کردند.

امام رضا (علیه السلام): «ای قوم! اگر در بین شما کسی مخالف اسلام هست و می‌خواهد سؤال کند بدون اینکه غضبناک شود، سؤال کند».

عمران صابی: ای دانای مردم! اگر خودت دعوت به پرسش نمی‌کردی که از شما سؤال شود، هرگز از شما سؤال نمی‌کردم...» (ابن بابویه، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ۱۳۳۲).

۱-۶ رعایت نکردن سطح فکری مخاطب

رعایت نکردن سطح فکری مخاطب در مناظره سبب می‌شود پیام از طرف گیرنده به‌طور کامل فهمیده نشود و امکان برقراری ارتباط دوسویه به خطر بیفتد. در نتیجه، فرایند مناظره دچار آسیب شده یا نیمه‌تمام رها می‌شود و یا به نتیجه نمی‌رسد. پس به اندازه فهم مردم سخن گفتن نیز یکی از شروط گفتار مفید و منظم است که پیامبر (صلی الله علیه و آله) درباره‌اش می‌فرماید:

«أْمُرْنَا أَنْ نُكَلِّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ» (به ما امر شده است که با مردم، در حد فهم‌شان سخن گوئیم) (کلینی، ۱۳۶۹، ج ۱: ۴۶).

امام رضا (علیه السلام) با رعایت این اصل در مناظرات و گفتگوهای خود، با سطح درک و آگاهی افراد با آنان سخن می‌گفت. یکی از نتایج پر بار این روش، احساس قرابت و نزدیکی با منشأ پیام و دریافت همه معنای پیام توسط مخاطب است. به‌طوری که وقتی حضرت با رهبر یک مکتب وارد بحث می‌شود با استدلال قوی عقلی و نقلی جایی برای سخن گفتن آنها باقی نمی‌گذاشت. وقتی مخاطبش شخص عادی بود، با جملات ساده و تمثیل و تشبیه، حق را برای او آشکار می‌ساخت (ضیغم‌زیدی، ۱۳۹۰: ۱۷۷). برای نمونه، در پاسخ به سؤال فردی که می‌گفت خدا دوتا است. فرمود: «اینکه تو می‌گویی خدا دوتا است خود دلیل یکتایی است، زیرا تو دومی را نمی‌خوانی مگر اینکه اولی را اثبات کنی. پس درباره اولی همگان توافق دارند؛ ولی دومی محل اختلاف است» (ابن بابویه، ۱۳۸۷: ۲۶۹). در واقع امام (علیه السلام) در این پاسخ با توجه

به فهم سؤال کننده بر نفی و انکار خدای دومی برهان اقامه نکرده و فقط به اثبات خدای واحد و شک در دومی بسنده کرده است(ارزنی و ربانی اصفهانی، ۱۳۹۱: ۵۲).

۱-۷ نداشتن ارتباط دوسویه

مناظره اصولاً یک جریان دوسویه است؛ یعنی باید کسی پیامی را بفرستد و شخص یا اشخاص دیگر آن پیام را دریافت کنند. تا زمانی که پیام دریافت نشود، ارتباط حاصل نشده است. در نتیجه، یکی از موارد بسیار مهم که گفتگو و مناظره را به‌خطر می‌اندازد، نداشتن تعامل و ارتباط دوسویه است به طوری که گوش‌ندادن، توجه نداشتن به احساسات مخاطبان و همراه‌نشدن با آنان در حالات مختلف شادی یا غم، مواردی است که سبب کم‌رنگ شدن رابطه‌ها، قطع صحبت و باعث دلخوری و سردی طرف مقابل خواهد شد. امام‌رضا(علیه‌السلام) با پذیرش مناظره‌کنندگان، فضا را برای ایجاد تعامل دوسویه و طرح دیدگاه‌ها و پیشنهادها باز می‌نمود و مقاومت مناظره‌گر را به‌نوعی کاهش می‌داد و می‌توانست با آگاهی از تجربه مخاطب، همدلی و هم‌آوایی با آنها، وی را به تجربه جدید و درک حقایق رهنمون سازد(هاشمی اردکانی و میرشاه جعفری، ۱۳۸۷: ۱۶).

به‌طور مثال، وقتی امام‌رضا(علیه‌السلام) با عمران صابی مناظره می‌نمود، آن‌قدر ارتباط دوسویه برقرار بود که عمران پیوسته توضیحات بیشتری از امام می‌خواست و امام(علیه‌السلام) این سرچشمه فیاض علم، او را بهره‌مند می‌ساخت. تا رسید به آنجا که امام(علیه‌السلام) فرمود: مطالب را خوب درک کردی عمران؟ عمران در میان تعجب حاضران عرض کرد: آری، به خوبی فهمیدم ... و در آخر اسلام را پذیرفت و یکی از مدافعان سرسخت اسلام شد(مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۹: ۱۷۳-۱۷۷).

۸-۱ تحمل نکردن عقاید مخالف

عقیده در لغت به معنای بسته شدن، منعقد گردیدن و گره خوردن آمده است؛ یعنی امری که با ذهن و روح و روان انسان پیوند خورده، انعقاد می پذیرد (راغب اصفهانی، ۱۳۸۳، ج ۵: ۳۴۱). از نظر اسلام آزادی عقیده حق طبیعی هر فرد انسانی است و هر کسی می تواند با آزادی کامل هر عقیده و مرامی را که بخواهد انتخاب کند. اسلام از ابتدا افراد را در گزینش و انتخاب عقیده آزاد گذاشته است تا با مطالعه و تحقیق، دین و آیین خود را انتخاب کنند. اسلام بر اساس آیه «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ» (بقره: ۲۵۶) عقیده‌ای را بر کسی تحمیل نمی کند، بلکه مردم را به تفکر و عقلانیت دعوت می کند و حتی تقلید کورکورانه و بدون تفکر و تعقل را در اصول اعتقادی دین نمی پذیرد (میرموسوی، ۱۳۸۱: ۹۷). بر این اساس، نباید در هنگام مناظره وقتی عقیده‌ای مخالف با عقاید اساسی مناظرکننده مطرح می شود، مانع آن شد بلکه باید آن عقیده را شنید و در ادامه برهان و ادله گوینده را خواستار شد، تا بدین طریق به روشنگری و هدایت وی اقدام نمود.

در مناظره امام رضا (علیه السلام) با جاثلیق، وی رو به مأمون کرد و گفت: «چگونه با کسی مناظره کنم که از کتابی دلیل می آورد که من منکر آن هستم و از پیامبری سخن می گوید که من به او ایمان ندارم» (ابن بابویه، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ۳۳۲). در این مناظره وقتی جاثلیق به اصل دین و پایه‌های اعتقادی آن حمله کرد و منکر نبوت خاتم الانبیا (صلی الله علیه و آله) شد، امام با تحمل بالا و با روی باز از کتاب خود وی دلیل آورد و حقایق را بر جاثلیق اثبات نمود.

۲- آسیب‌های اخلاقی مناظره

آسیب‌های اخلاقی در مناظره، همان رذایل اخلاقی مانند تعصب، بی‌انصافی، خودستایی، تجسس و... است که فرد با نیت غلبه بر حریف از آن استفاده می کند. با بررسی و تحلیل مناظرت امام رضا (علیه السلام) موارد زیر برداشت می شود.

۱-۲ عدول از انصاف

«انصاف» در لغت مصدر عربی به معنای داد دادن، عدل و داد کردن، راستی کردن، به نیمه رسیدن، نیمه چیزی را گرفتن و میانه‌روی است (دهخدا، ذیل انصاف). و در اصطلاح یعنی به شایستگی و در خور استحقاق هر کس یا چیزی با آن رفتار کردن آمده است. اهمیت این موضوع به قدری است که حتی در برخورد با دشمنان و افرادی که معتقدیم در حَقمان بدی کرده‌اند نیز توصیه به انصاف شده است (نساء/۱۳۵). پس یکی از موارد بسیار مهم که برای هر مناظره و مناظره‌کنندگان لازم است، رعایت عدل و انصاف است. اگر در مناظرات و بحث و گفتگو انصاف رعایت نشود و در رفتار و گفتار به طرفین مناظره ستمی وارد آید، آن نشست نتیجه‌ای در بر نخواهد داشت و سبب تشدید اختلاف و درگیری خواهد شد (ضیغم‌زیدی، ۱۳۹۰: ۱۸۰).

امام‌رضا (علیه‌السلام) در مناظرات خود بر دوری از ظلم و رعایت انصاف تأکید داشتند و سعی می‌کردند پیش از ورود به بحث، آن را به مخاطب خود گوشزد کنند. برای نمونه آن حضرت پیش از ورود به مناظره با عمران صابی فرمودند: «سَلُّ يَا عَمْرَانُ وَعَلَيْكَ بِالنَّصْفِ وَ إِيَّاكَ وَ الْخَطْلَ وَ الْجَوْرَ» (سؤال کن ولی انصاف را از دست مده و جانب یاهو‌سرایبی و ستم را فروگذار). (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲: ۴۱۹). امام (علیه‌السلام) هم خود انصاف را رعایت می‌کرد و هم اگر طرف مقابل سخن علمی می‌گفت و استدلال درستی داشت، ضمن تأیید آن، او را تشویق و ترغیب می‌کرد. از این برتر، گاه به انصاف وی نیز اقرار می‌کرد. یعنی می‌فرمود: «انصاف به خرج دادی.» (قلندری بردسیری، ۱۳۸۱: ۴۰؛ شجاعی گلپایگانی، ۱۳۷۳: ۱۲۹).

۲-۲ تعصب و تقلید

بی‌تردید اساسی‌ترین پایه عبودیت و بندگی خدا تسلیم و تواضع در برابر حق است. به‌عکس، هرگونه تعصب مایه دوری از حق و محروم‌شدن از سعادت است. تعصب

به معنای «وابستگی غیرمنطقی به چیزی» تا آنجا که انسان حق را فدای آن کند. ثمره این شجره خبیثه نیز «تقلید کورکورانه» است که سدّ راه پیشرفت و تکامل انسان هاست. در مناظره وقتی فرد از روی تعصب عقیده یا نظری را مطرح کند، حجاب ضخیمی بر دیده عقل او می‌افکند و از درک حقایق و خیر و شر و مصلحت و مفسده و عاقبت امور و پیدا کردن راه چاره محروم می‌سازد. ضایعات و آثار زیانبار این ردیله اخلاقی تاریخ بشریت را سیاه کرده و پیامبران الهی را با مشکل‌ترین موانع روبه‌رو ساخته و خون‌های زیادی را بر خاک ریخته است. همین معنی برای پی‌بردن به آثار زیانبار آن کافی است. پس باید از آن دوری کرد (مکارم‌شیرازی، ۱۳۸۵، ج ۲: ۲۰۳). اگر در مناظره یک‌طرف چیزی بگوید و طرف دیگر چیز دیگر و هر کدام منبع طرف مقابل را قبول نداشته باشند و بر گفتار خود تعصب بورزند، گفتگو به سرانجام نمی‌رسد. امام‌رضا (علیه‌السلام) در برخورد با ادیان دیگر، هرگز متعصبانه عمل نمی‌کردند، بلکه به دور از تعصب، اگر طرف مقابل حضرت، قرآن یا پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) را قبول نداشت، همان کتابی را که او بدان باور داشت، مبنای مناظره قرار می‌دادند. با عنایت به همین شیوه، به نوفلی فرمود: «وقتی با مسیحی با انجیلشان، با یهودی با توراتشان با صابی‌ها با آیین خودشان با هیربدان با آیین پارسی‌شان و با رومیان به زبان خود آنان بحث کنم، آن وقت مأمون خواهد دانست او در خور این نیست که در این راه گام بردارد، و این موقع است که پشیمانی او را در برمی‌گیرد.» (ابن بابویه، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ۱۵۴).

۲-۳ تجسس در عیوب همدیگر

«تجسس» در لغت به معنای «دست‌زدن، با دست لمس کردن، با دست معاینه کردن، بررسی کردن، جستجو کردن، تحقیق کردن، جاسوسی کردن، کسب خبر و خبرجویی» به کار رفته و مجازاً به معنای «نگاه کردن از سر کنجکاوی برای شناسایی دیگران» است. آنچه از تعریف‌های اهل لغت، فقها، علمای اخلاق و مفسران درباره ماهیت

تجسس برمی‌آید، این است که تجسس به تحقیق و تفحص در امور مخفی و پنهان افراد برای کشف لغزش‌ها و وجوه تاریک زندگی آنها گفته می‌شود؛ اموری که ذات و ماهیت آنها مخفی و غیرظاهر است (نقل از اترک، ۱۳۹۰: ۱۵۲).

خداوند در قرآن کریم درباره این عمل زشت در ضمن منع از گناهان دیگر می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا...» (ای مؤمنان، از بسیاری از گمان‌ها پرهیزید که بعضی از ظنون گناه است و تجسس نکنید...) (حجرات/۱۲). به عبارت دیگر، از جمله شروط ایمان عدم دخالت و تحقیق بی‌جا در امور مسلمانان است و با صیغه نهی که آمده، دلالت بر منع تجسس می‌کند. با استناد به این مطالب می‌توان گفت، اگر مناظره‌گر قبلاً یا در حین مناظره از عیوب طرف مقابل تجسس نماید و از آنها در حین مناظره برای پیروزشدن استفاده کند، باعث بی‌آبرویی خود و طرف مقابلش خواهد شد. چنانکه پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرمود: «لَا تَتَّبِعُوا عَوْرَاتِ الْمُؤْمِنِينَ، فَإِنَّهُ مَن تَتَّبَعَ عَوْرَاتِ الْمُؤْمِنِينَ تَتَّبَعَ اللَّهُ عَوْرَتَهُ، وَ مَن تَتَّبَعَ اللَّهُ عَوْرَتَهُ فَضَحَهُ وَلَوْ فِي جُوفِ بَيْتِهِ» (از عیوب و اسرار پنهانی مؤمنان جستجو نکنید، چراکه هرکس از عیوب مردم تجسس کند، خداوند نیز از عیوب او تجسس می‌کند و هر کس خداوند از عیوبش تجسس کند، مفتضح و بی‌آبرو خواهد شد، گرچه در گوشه خانه‌اش لغزشی کرده باشد.) (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۹، ج ۲: ۷۲۸). بررسی مناظرات آن امام بزرگوار نشان می‌دهد ایشان قبل و حین مناظره نسبت به گذشته و عقاید اشتباه طرفین مناظره‌اش هیچ تجسسی از خود نشان نمی‌دادند بلکه در سرتاسر مناظره با محوریت قرارداد رفتار حسنه اسلامی، با نگاهی مثبت و حسن‌ظن با آنها برخورد می‌کردند و سعی داشتند با تأثیر گذاشتن بر فکر و روح آنها، با ادله روشن هدایت کنند.

۲-۴ رعایت نکردن احترام متقابل

احترام، مصدر باب افتعال از ریشه «ح ر م» و به معنای حرمت نگه داشتن است (دهخدا، ذیل احترام). در اصطلاح عرف به معنای تعظیم، گرامیداشت و بزرگداشت است. پس شایسته است که یک مسلمان در مقام گفتار با دیگران سخنان نیک و سنجیده بگوید و با زبانی خوش آنان را مورد خطاب قرار دهد. قرآن کریم می‌فرماید: «... قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا» (با مردم به خوبی سخن گوید). (بقره/۸۳). با وجود این، بعضی از کسانی که اهل علم و دانش هم هستند متأسفانه در مناظره و گفتگو با دیگران، سخافت و سبکی خود را با گفتار بد، هو کردن، خنده‌های نابجا و حرکتهای نادرست برای پریشان کردن افکار هم‌گفتار خود نشان می‌دهند و باطن خویش را که گویای بدگمانی و کینه‌توزی است، بروز می‌دهند. این رفتار یکی از آسیب‌های اثرگذار در مناظره بوده و با تقدس مناظره و اهداف آن سازگاری ندارد و جایی برای گفتار ناصحانه باقی نمی‌گذارد (جمالی، ۱۳۸۶: ۲۴).

امام رضا (علیه السلام) در مناظرات ادب و احترام را در نهایت حد خویش رعایت می‌نمود و از سرافکندگی دیگران و ناکامی آنها در پاسخ‌دادن به سؤال‌ها اظهار مسرت نمی‌کرد و بعد از اینکه می‌دید خصم به زانو درآمده و سکوت کرده یا تقاضا می‌کند که از دیگری سؤال شود، او را تحقیر نمی‌کرد. حتی اگر اطرافیان، طرف مناظره را مسخره می‌کردند و به او می‌خندیدند، آنان را به ملایمت دعوت می‌نمود؛ چنانکه در مناظره امام و سلیمان مروزی رخ نمود، آن‌گاه که تمام راه‌های جواب را بر سلیمان بست و سلیمان شروع به تناقض‌گویی کرد، همه حاضران در جلسه به سلیمان خندیدند. امام (علیه السلام) رو به مردم کرد و از آنان خواست ملایمت به خرج دهند و پس از آن گفتگو را ادامه داد (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲: ۳۷۳-۳۶۵). یا چنان که حضرت (علیه السلام) به ایمان‌آوردگان روی خوش نشان می‌داد و اکرام می‌نمود و صحنه مناظره را به رخ نمی‌کشید. همانند آنکه در اثنای گفتگو، عمران به حقانیت اسلام پی برد و ایمان آورد. آن حضرت (علیه السلام) در پایان مجلس عمران را فراخواند و به هنگام ورود وی

محترمانه از او استقبال کرد. سپس به او چند جامه و ده هزار درهم عطا فرمود (ابن بابویه، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ۱۷۲).

۲-۵ ارزیابی شخصیت طرف مناظره

در ارتباط بین دو انسان، واژه‌ها و کلمات گاهی نقش سازنده یا مخرب دارند. بعضی از کلمات روح انسانی را مکدر می‌کنند و موجب زخم‌هایی در دل انسان می‌گردند. کلمات و جملات ناسالم موجب ارتباط ناسالم و کلمات خوب و شاد موجب ارتباط سالم می‌گردد (فرهادیان، ۱۳۸۶: ۱۲۸). با این اوصاف، گاهی افراد در مناظره‌های خود به‌جای اینکه سخن فرد را با معیارهای مورد قبول ارزیابی کنند، شخصیت و صفات او را ارزیابی و با نسبت دادن القاب و عناوینی، رنجش خاطر ایجاد می‌کنند. این روش یکی از آفت‌های برهم‌زننده مناظره است زیرا از لحاظ روان‌شناختی هیچ انسانی دوست ندارد شخصیتش با جملات منفی ارزیابی شود، حتی اگر عملکردش نادرست باشد، چون در این صورت اعتماد به نفس او لطمه می‌بیند. پس بهتر است به‌جای ارزیابی شخصیت، ارزیابی رفتار و عملکرد صورت بگیرد.

به‌عنوان نمونه، در مناظره بین امام‌رضا (علیه‌السلام) و جاثلیق، موقعی که جاثلیق با استدلال امام (علیه‌السلام) مواجه می‌شود که می‌فرماید «ما به خدا معتقدیم و به عیساپی که معتقد به نبوت محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله) بود و ما چیزی علیه عیسی نداریم مگر ضعف و کمی روزه و نماز او» فریاد می‌زند: به خدا علمت را فاسد کردی و امورت ضعیف شد! ما فکر می‌کردیم که تو عالم‌ترین اهل اسلام هستی! سپس امام (علیه‌السلام) با آرامش کامل الوهیت مسیح را توسط منابع خودشان رد می‌کند (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲: ۴۱۳). روشن است که وقتی جاثلیق به‌جای ارائه برهان علمی و نقد گفتار امام (علیه‌السلام) به شخصیت علمی ایشان حمله می‌کند، امام با دوری از این آسیب و آفت مناظره و با ارائه ادله مورد وثوق طرفین، بر وی پیروز می‌شود.

۲-۶ غرور و خودستایی

واژه غرور در لغت به معنای فریب خوردن و فریفته شدن و در اصطلاح عبارت است از «اعتماد و تکیه کردن نفس به آنچه مطابق هوی و هوس باشد و طبع انسان به خاطر شبهه افکنی و فریب شیطان به آن گرایش یابد. پس هر کس بر اساس شبهه فاسدی معتقد شود که در دنیا یا آخرت به خیر و سعادت رسیده، مغرور است.» (کاشانی، ۱۳۷۹: ۴۱۴). خودستایی با واژه‌های مدح و تزکیه شناخته می‌شود. مدح در لغت به معنای ستایش است و تزکیه، پاکیزه نشان دادن خود است. در اصطلاح، خودستایی عبارت است از اینکه آدمی در مقام اثبات کمال و نفی نقص از خود برآید که آن از نتایج عجیب است (نراقی، ۱۳۸۶: ۲۴۷). خداوند در نهی غرور و خودستایی می‌فرماید: «در روی زمین از روی کبر و غرور گام برمدار.» (اسراء/۳۷) و «او نسبت به شما از همه آگاه‌تر است از آن هنگام که شما را از زمین آفرید و در آن موقع که به صورت جنین‌هایی در شکم مادرانتان بودید پس خودستایی نکنید، او پرهیزگاران را بهتر می‌شناسد!» (نجم/۳۲).

در یکی از جلسات مناظره، مأمون رو به امام رضا (علیه‌السلام) کرد و گفت: «به من خبر رسیده که گروهی در حق شما غلو (زیاده‌روی) می‌کنند، و مقام شما را از حد و مرز خود بالا می‌برند». امام (علیه‌السلام) فرمود: «پدرم، موسی بن جعفر از پدرش، جعفر بن محمد از پدرش، محمد بن علی از پدرش، علی بن ابی طالب روایت کرده که رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرمود: «مرا زیادتر از شایستگی و حقم بالا نبرید، زیرا خداوند قبل از آنکه مرا به پیامبری بپذیرد، به عنوان عبد (بنده) پذیرفت. خداوند می‌فرماید: «برای هیچ بشری سزاوار نیست که خداوند کتاب آسمانی و حکم و نبوت به او دهد و سپس او به مردم بگوید غیر از خدا، مرا پرستش کنید...» (آل عمران/۷۹؛ ابن بابویه، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ۲۱۷-۲۱۶). از این گفتار امام (علیه‌السلام) روشن می‌شود که ایشان غرور و خودستایی را نهی کرده و عبودیت خدا را در همه حال متذکر می‌شدند.

۲-۷ محکوم کردن و کوبیدن همدیگر

یکی از آفت‌های بسیار مهم که مناظره را از هدف اصلی خود دور می‌کند، اهتمام مناظره‌کننده در جهت محکوم‌سازی و بی‌اعتبارساختن طرف مناظره است. مأمون به جهت محکوم کردن امام‌رضا (علیه‌السلام) با کوشش فراوانی دانشمندان را از دورترین نقاط فرا می‌خواند تا دشوارترین مسائل خود را بر امام (علیه‌السلام) عرضه کنند تا شاید ولو برای یک بار هم که شده، امام (علیه‌السلام) را از پاسخگویی عاجز کنند و مأمون بدین طریق بتواند امامت را زیر سؤال ببرد. اگر مأمون در این راه توفیق به دست آورده بود دیگر نیازی به کشتن امام (علیه‌السلام) نداشت زیرا دیگر او یک فرد معمولی بود که از هرگونه حجت امامت دستش خالی بود (حسینی عاملی، ۱۳۷۳: ۲۲۷). اما امام‌رضا (علیه‌السلام) با آگاهی از نیت مأمون، برخورد حکیمانه به همراه پند و اندرز و جدل منطقی در مناظرات داشتند و هدفشان تنها تعلیم و آموزش و تبیین حقیقت بود، نه محکوم کردن و بی‌اعتبار کردن فرد بلکه می‌خواستند حقیقت روشن شود تا همگان متوجه راه صحیح - که همان راه ائمه (علیهم‌السلام) است - شوند. ایشان هرچند در مناظره بر طرف مناظره خود پیروز می‌شدند، ولی با الفاظ محترمانه ارتباط برقرار می‌کردند و می‌کوشیدند در گفتگوها فضای دوستی را حاکم کنند (امینی‌فر، ۱۳۹۱: ۴۶). از این‌رو، در مناظره با عمران، گاه‌گاه به وی می‌فرمود: «آیا مطلب را فهمیدی؟» او نیز می‌گفت: «بله فهمیدم». یا می‌گفت: «آقای من! توضیح بیشتری بدهید.» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۹: ۳۱۷).

یا آن هنگام که در حین مناظره، سلیمان تناقض‌گویی می‌نمود، مأمون در جهت محکومیت وی گفت: «ای بر تو سلیمان! چقدر این حرف غلط را تکرار می‌کنی؟ امام (علیه‌السلام) رو به مأمون کرد و فرمود: «رها کن او را. حرفش را قطع نکن چون آن را دلیل حقانیت خود قرار می‌دهد.» سپس رو به سلیمان کرد و گفت: ادامه بده ای سلیمان...» (ابن بابویه، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ۱۹۱-۱۸۲).

۲-۸ بی توجهی به شرایط همدیگر

یکی از موارد بسیار مهم که مناظره را بی نتیجه می گذارد، آفت بی توجهی به شرایط همدیگر و درک نکردن مقتضیات مناظره است. در یک مناظره باید مناظره کننده با اشراف بر شرایط مناظره و مناظره کننده، گفتگو را پیش ببرد تا امکان دستیابی به حقیقت مورد بحث، تسهیل گردد زیرا سنجش ظرفیت فکری و روحی، عقل و درایت طرف مقابل باعث می شود بدانیم چگونه باید باب گفتگو را با او باز کرد و آن را ادامه داد.

امام رضا (علیه السلام) در آن شرایط خاص فرهنگی به مثابه رهبری آگاه و هوشمند و با بهره گیری از ابعاد معرفتی خویش و نیز تلفیق این مسئله با مدیریت علمی - فرهنگی و همراهی آن با تخصص و تعهد که استوار بر بینش و حیانی بود (سادات و قاری، ۱۳۹۱: ۶۰) در برخورد با دانشمندان سایر مذاهب، نخست حالات و ویژگی های گوناگون روانی، عاطفی، عقلی، علمی و... آنان را در نظر می گرفت و سپس آن را به شاخصه های گوناگون زمانی، مکانی، فرهنگی و به ویژه عقیدتی پیوند می زد و پیوسته به یارانش نیز این مسئله را گوشزد می فرمود که: «با دیگران آن گونه سخن بگویند که می فهمند و آنچه را نمی پذیرند رها کنید.» (طباطبایی، اشتهدادی و ملایری معزی، ۱۳۷۸، ج ۱۸: ۴۳۲). تاریخ نمونه های فراوانی از این دست برخوردهای حضرت با دانشمندان دیگر مذاهب را در خود دارد. به عنوان نمونه، امام رضا (علیه السلام) در گفتگوهایشان با آنان، گاه با ارجاع دادن آنها به کتب مقدس خودشان و یا اقوال بزرگانشان، سعی می کردند کلامشان مطابق با حالات آن فرد باشد. چنانکه در مناظره با سلیمان مروزی و علی بن جهم اتفاق افتاده است، گواهی روشن بر این مطلب است (شجاعی گلپایگانی، ۱۳۷۳: ۱۷۱). همچنین در مناظره با عمران، وقتی زمان ادای فریضه نماز رسید، امام (علیه السلام) رو به مأمون کرد و فرمود: وقت نماز فرا رسیده است و باید به ادای فریضه پردازیم. عمران که از باده روحانی سخن امام مست شده بود و باقی قدح در دست داشت، عرض کرد: مولای من! جواب مرا قطع مکن که

قلبم نرم و آماده پذیرش شده است.

امام(علیه‌السلام) با درک شرایط روحی وی فرمود: «عجله مکن! نماز می‌خوانیم و باز می‌گردیم». بعد از ادای نماز، امام(علیه‌السلام) به مجلس بازگشت و عمران را صدا زد و فرمود: «سؤالات را ادامه بده...». مناظره ادامه یافت تا اینکه عمران به سجده افتاد و اسلام را پذیرفت(ابن بابویه، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ۱۷۸-۱۵۴).

نتیجه‌گیری

خداوند بشر را با صفت نطق آفرید و انسان به مدد همین ویژگی به گفتگو با دیگران پرداخت. در این میان، به دلیل اختلاف فکری و عقیدتی، گاهی بین انسان‌ها مناظره و بحث در گرفت. مناظره گفتگویی دوجانبه است که هدف آن کشف حقایق و روشننگری است. دین مبین اسلام بر مناظره و جدال احسن تأکید و روش و اهداف آن را بیان کرده است. از این‌رو، پیامبر بزرگ اسلام(صلی‌الله‌علیه‌وآله) و ائمه معصومین(علیهم‌السلام) به‌ویژه امام‌رضا(علیه‌السلام) از مناظره به‌عنوان یکی از روش‌های تبلیغ اسلام و جلوگیری از تحریف آن در مبارزه با بزرگان و دانشمندان فرقه‌های مختلف استفاده کرده‌اند. آنچه در این میان شایسته توجه بسیار است، دوسویه بودن ابزار مناظره است که در عین تأثیر عمیقی که در پرتو رعایت اصول لازم می‌تواند داشته باشد، عمل نکردن به اصول ضروری آن، نتیجه عکس به‌دنبال خواهد داشت و به‌جای کشف حقیقت، به حجابی بر سر راه شناخت حق تبدیل می‌گردد که از آن به‌عنوان آسیب‌های مناظره یاد می‌شود. بررسی مناظرات امام‌رضا(علیه‌السلام) و دقت در فرایند و محتوای آن در جهت شناسایی آسیب‌های مناظره اهمیت زیادی دارد. آسیب‌های مناظره به دو صورت کلی است: آسیب‌های علمی(شامل مغالطه در بحث، تکیه کردن بر اصول غیرمشترک، نداشتن نظم و ساختار منطقی، استفاده از مطالب پیچیده و نارسا، ممانعت از پرسش آزاد، رعایت نکردن سطح فکری مخاطب، نداشتن ارتباط دوسویه، و تحمل نکردن عقاید مخالف) و آسیب‌های

اخلاقی (شامل بی‌انصافی، تعصب و تقلید، تجسس در عیوب همدیگر، عدم رعایت احترام متقابل، ارزشیابی شخصیت طرف مناظره، غرور و خودستایی، محکوم‌کردن و کوبیدن و بی‌توجهی به شرایط و حال همدیگر). امام‌رضا(علیه‌السلام) با اشراف کامل علمی و اخلاقی که نسبت به فرایند مناظره و مخاطب داشتند، هرگز از این آسیب‌ها در جهت پیروزی بر حریف استفاده نکردند زیرا هدف ایشان هدایت، آموزش و کشف حقیقت بود. اما در مناظرات دیگر افراد (غیر از معصومین(علیهم‌السلام)) کمتر کسی می‌تواند خود را از این آفت‌ها برهاند. متأسفانه امروزه در مناظرات سیاسی، علمی و مذهبی در میان مناظره‌کنندگان قابل مشاهده است و به عنوان یکی از عوامل بروز اختلاف و شیوع دین‌گریزی در گفتمان‌ها قلمداد می‌شود.

از این‌رو، با عنایت به نیاز عصر حاضر در جهت پاسخگویی به شبهات، با الگو قرار دادن مناظرات امام‌رضا(علیه‌السلام) و بر اساس نتایج پژوهش، پیشنهاد می‌شود:

۱. با توجه به اینکه رشد علم و بالندگی معارف اسلامی در گرو تضارب آراء و مقایسه اندیشه‌هاست لازم است کرسی‌های نقد و مناظره با تکیه بر اصول مناظرات امام‌رضا(علیه‌السلام) تشکیل شود و ادامه یابد.

۲. روش‌های صحیح مناظره و نمونه‌ای از مناظرات ائمه(علیهم‌السلام) در کتاب‌های درسی و دانشگاهی گنجانده شود.

۳. از آنجاکه آفت‌های مناظره سبب اختلاف و درگیری در گفتگو و بحث می‌گردد. باید آفت‌های مناظره همراه با پیامدهای آن با استناد به فرهنگ اسلامی بیان شود تا افراد آگاهانه وارد بحث شوند و از آن آفت‌ها دوری بجویند.

منابع و مآخذ

- قرآن کریم. ترجمه محمد مهدی فولادوند.
- نهج البلاغه. ترجمه سید جعفر شهیدی.
- آمدی، عبدالواحدین محمد. (۱۳۶۶). *غرر الحکم و درر الکلم*. مصحح: مهدی رجایی. چاپ اول. قم: دارالکتاب الاسلامی.
- ابن بابویه، ابو جعفر محمد بن علی. (۱۴۰۴ ق). *عیون اخبار الرضا للشیخ الصدوق*. چاپ اول. مشهد: آستان قدس رضوی.
- _____ (۱۳۸۷). *التوحید*. مترجم: محمد باقر آفانجفی. قم: مکتبه الصدوق.
- اترک، حسین. (۱۳۹۰). «ماهیت و حکم اخلاقی تجسس». *مجله معرفت اخلاقی*، س ۲، ش ۴: ۱۶۵-۱۵۱.
- ارزنی، حبیب‌رضا؛ ربانی اصفهانی، حوریه. (۱۳۹۱). «سبک ارتباطی اخلاقی رضوی در تعامل با پیروان ادیان با تکیه بر مناظرات امام (ع)». *فصلنامه علمی-ترویجی اخلاق*، س ۲، ش ۶: ۶۶-۳۹.
- امینی فر، حسن. (۱۳۹۱). «روش‌شناسی مناظرات امام‌رضا (ع)». *مجموعه مقالات منتخب استان‌ها*. مشهد: دبیرخانه جشنواره بین‌المللی امام‌رضا (ع).
- جمالی، نصرت‌الله. (۱۳۸۶). *روش‌گفتمان یا مناظره*. قم: انتشارات مهدیه.
- حسینی عاملی، جعفر مرتضی. (۱۳۷۳). *زندگی سیاسی هشتمین امام حضرت امام موسی‌الرضا (ع)*. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- حسینی میرضی، فاطمه. (۱۳۹۰). *شیوه مناظرات انبیا و امام صادق (ع)*. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- خندان، علی اصغر. (۱۳۹۱). *مغالطات، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی*. قم: مؤسسه بوستان کتاب.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۳۸۳). *المفردات فی غریب القرآن*. چاپ چهارم. قم: انتشارات ذوی‌القربی.
- رجیبی، فاطمه؛ مطهری، اعظم. (۱۳۹۴). «سبک‌شناسی مناظرات کلامی امام‌رضا (ع)». *فصلنامه پژوهش‌های اعتقادی-کلامی*. س ۵، ش ۱۹: ۹۸-۸۱.
- رضازاده کهنگی، فریبا؛ فارسی‌نژاد، علیرضا. (۱۳۹۴). «اصول علمی و اخلاقی مناظره‌های رضوی». *فصلنامه فرهنگ رضوی*، س ۳، ش ۹: ۵۸-۳۷.
- سادات، فاطمه؛ قاری، آقاسیدمحمد. (۱۳۹۱). «ابعاد معرفتی امام‌رضا (ع) در برخورد با دانشمندان سایر مذاهب و ادیان». *مجموعه مقالات منتخب استان‌ها*. مشهد: دبیرخانه جشنواره بین‌المللی امام‌رضا (ع).
- سجادی، سید مهدی. (۱۳۸۰). *تبیین رویکرد استنتاج در فلسفه تعلیم و تربیت*. تهران: امیرکبیر.
- شجاعی گلپایگانی، سیدزین‌العابدین. (۱۳۷۳). *زندگانی حضرت علی بن موسی‌الرضا (ع)*. قم: دفتر نشر مصطفی.
- شکوهی، علی. (۱۳۹۳). *عوامل و ریشه‌های دین‌گریزی از منظر قرآن و حدیث*. چاپ چهارم. قم: بوستان کتاب.
- شیرخانی، بنیامین. (۱۳۸۹). *پرسشگری در قرآن*. تهران: هزاره ققنوس.
- ضیغم‌زیدی، سیدعلی. (۱۳۹۰). «مناظره و ویژگی‌های مناظرات امام‌رضا (ع)». *بیام‌میلع*، س ۵، ش ۶: ۱۹۰-۱۵۹.
- طباطبایی بروجردی، سیدحسین؛ اشتهااردی، علی‌پناه و ملایری معزی، اسماعیل. (۱۳۷۸). *جامع احادیث الشیعه فی احکام الشریعه*. ج ۱۸. قم: افق حوزه.

- طبرسی، احمد بن علی. (۱۴۰۳ق). الاحتجاج. ج ۲. مشهد: انتشارات مرتضی.
- عطاردی قوجانی، عزیزالله. (۱۳۸۸). اخبار و آثار حضرت امام رضا(ع). ج ۲. تهران: انتشارات عطارد.
- غزالی، محمد بن محمد. (۱۴۰۶ق). احیاء علوم الدین. ج ۱. بیروت: دارالکتب العربی.
- فرامرزی قراملکی، احد. (۱۳۷۹). «تبکیت بیرونی؛ آفت گفتگوی اثربخش». مقالات و بررسی‌ها، دفتر ۶۸: ۳۲۷-۳۲۳.
- فرهادیان، رضا. (۱۳۸۶). تربیت برتر: آنچه والدین و معلمان باید بدانند. قم: بوستان کتاب.
- فیض کاشانی، ملامحسن. (۱۳۷۹). راه روشن. مترجم: عبدالعلی صاحبی. مشهد: آستان قدس رضوی.
- قلندری بردسیری، حمید. (۱۳۸۱). هشتمین امام(ع). قم: نشر فراگفت.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۹). اصول کافی. ج ۱. مترجم: هاشم رسولی و جواد مصطفوی. تهران: کتابفروشی علمیه اسلامیة.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۳۸۶). بحار الانوار. ج ۴۹. تهران: انتشارات المعارف الاسلامیه.
- _____ (۱۴۰۴ق). بحار الانوار. ج ۴۹. بیروت: موسسه الوفاء.
- مجیدی، حسن. (۱۳۹۲). «تحلیل گفتمان مناظره‌های امام رضا(ع)». فصلنامه فرهنگ رضوی. س ۱. ش ۲: ۳۹-۹.
- محدثی، جواد. (۱۳۸۸). «مناظره و جدل؛ آفت بزرگ رسانه‌ها». مجله فرهنگ کوثر. ش ۸۰: ۱۲۷-۱۱۶.
- محمدی ری شهری، محمد. (۱۳۸۹). میزان الحکمه، ج ۳. مترجم: حمیدرضا شیخی. قم: دارالحدیث.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۵). اخلاق در قرآن. ج ۲. قم: انتشارات امام علی ابن ابیطالب(ع).
- _____ (۱۳۸۸). مناظرات تاریخی امام رضا(ع) با پیروان مذاهب و مکاتب دیگر. چاپ دوم. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- مؤسسه لغت‌نامه دهخدا. (آغاز ۱۳۶۹ پایان ۱۳۷۳). لغت‌نامه دهخدا. چاپ اول کامپیوتری (ویرایش اول: ۱۴ مجلد).
- مهدویان، محبوب؛ رحیم‌زاده، کبری. (۱۳۸۹). «شبیه آموزشی مناظره در قرآن و سنت». مجله منهاج. دوره ۶، ش ۱۰: ۱۵۹-۱۴۳.
- میرموسوی، سیدعلی. (۱۳۸۱). مبانی حقوق بشر در اسلام و مکاتب دیگر. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه.
- نراقی، ملا احمد. (۱۳۸۶). معراج السعاده. قم: زهیر.
- هاشمی اردکانی، سیدحسن؛ میرشاه جعفری، سیدابراهیم. (۱۳۸۷). «روش مناظره علمی در سیره آموزشی امامان معصوم(ع): مطالعه موردی مناظرات علمی امام رضا(ع)». دو فصلنامه علمی - پژوهشی تربیت اسلامی، س ۳، ش ۷: ۲۱-۷.